بگو دردتو به من

حرف بزن یکم

تا که ساکت شمو هیچی نگم

دل بده به من

تو فرق داری یکم

فوت کن شمعو تا که تاریک بشم

تو خودت میدونی داستانه ما چیه

فرق داریم با همو ساختاره ما اینه

زندگی باختامونو دیده

آره ما دل باختیمو دیگه

باید بدیم دست به دله هم

فرق کردم پر از خط و گره ام

گره ای که با دست باز میشد کشیدمش به دندون

دوست دارم نفسمو حبث کنمو بدم تو

دیگه بیرون ندم

این روحه تو بدنم

میخواد پرواز کنه بره

در باز کنه بره

چشمایی که هر شب تره

گریه واسه مرد هرچند بده

خسته شدم از بازندگی

راهمو عوض کرده این زندگی

نمیخوام دیگه بازنده باشم

نمیخوام که با زجر زنده باشم

فرقه منو تو اینه که تو منو نمیخوایو

من بی تو نمیتونم زنده باشم

بگو دردتو به من

حرف بزن یکم

تا که ساکت شمو هیچی نگم

دل بده به من

تو فرق داری یکم

فوت کن شمعو تا که ساکت بشم

گوش بده به من

سخت شده یکم

تحمل کنو نذار تنها برم

گوش بده به من

ببین صدام لرز داره یکم

خوابهام ترس داره واسم

حرفات تو نگاهته به من

رابطمون بوده یه دوسته معمولی

رو صورتت یه پوسته مصنوعی

گریه میکردی از رو مجبوری

فرار میکنی از رو دررویی

قلمم دیگه توان نداره

واسه نوشتن از تو دیگه دوام نداره

تویه دلم دیگه بهار نداره

اما اگه بگم دیگه محار نداره

چشمام دیگه غروب نداره

دلت دره ورود نداره

غمی که واسه تو وجود نداره

تو شادیو واسه تو نشد نداره

این قصه پایانه خوبی نداره

صبر کن حرفام تمومی نداره

دروغایی که میگی دلیلی نداره

مسائل دیگه راه حلی نداره

صبرو تحمله قبلو دیگه علی نداره

ادامه دادنه این رابطه دیگه دلیلی نداره

بگو دردتو به من

حرف بزن یکم

تا که ساکت شمو هیچی نگم

دل بده به من

تو فرق داری یکم

فوت کن شمعو تا که ساکت بشم

گوش بده به من

سخت شده یکم

تحمل کنو نذار تنها برم

صبرکن میخوام یه یچیزی بت بگم

درکل نمیزسیم ما به هم

دیگه نمیخام به امثاله تو راه بدم

مثه شما نیستم مسیج اشتباه بدم

دوره من یکی رو خط بکش خواهشا

نمیبینه منو حتی تو خوابشم

حتی اگه بمیره نمیرم سره خاکشم

تمامه فکرم تو بودی از صبح تا شب

قرار تو ملکه باشیو من شاه بشم

تو ستاره بودیو من ماهه شب

گفته بودم دوست دارم فقط با تو باشم

علی نیستم اگه دوباره خام بشم